

## طرز تلقی از دانش آموز در نظریه های مختلف برنامه درسی

**تعریف رویکرد برنامه درسی:** یک موضع گیری در باره مقصد غایی برنامه درسی و طرز تلقی نسبت به یادگیرنده، فرایند یادگیری، فرایند آموزش (گام هایی که معلم در جریان آموزش باید بردارد) محیط یادگیری، نقش معلم (انتقال دهنده اطلاعات، تسهیل کننده و....) و تلقی نسبت به ارزشیابی از آموخته های فراگیران.

رویکرد برنامه درسی	طرز تلقی نسبت به دانش آموز
<b>رویکرد رفتاری:</b> این رویکرد با روش های خاص یادگیری که به رفتارهای مشخصی منجر می شود سرو کار دارد.	دانش آموز موجودی است که قابلیت یادگیری دارد. اما یادگیرنده ها با سرعت های متفاوتی یاد می گیرند. به یاد گیرنده به منزله کسی نگاه می شود که به طور غیر فعال نسبت به تقویت کننده ها واکنش نشان می دهد ( <b>رویکرد رفتاری کنشگر</b> ) و از طرفی می تواند در اکتساب قابلیت های گوناگون توفیق یابد ( <b>رویکرد رفتاری قابلیت مدار</b> ). یاد گیرنده می تواند خود و یا فرد متقابل را تا حدی کنترل کند.
<b>رویکرد موضوعی/دیسپلینی:</b> این دیدگاه بر موضوعات درسی، شیوه تکوین و سازماندهی آنها تاکید می کند.	در <b>دیدگاه موضوعی</b> به یادگیرنده به صورت فردی نگاه می شود که باید خود را با یادگیری موضوع سازگار نماید. در این دیدگاه توجه چندانی بر نیازها و علایق دانش آموز نمی شود و موضوعات یادگیری با توجه به منطق درونی خودش عرضه می شود. اما در <b>دیدگاه دیسپلینی</b> به یادگیرنده به شکل موجودی فعالتر نگاه می شود. به دانش آموز به صورت یک متخصص ولی در مقیاس کوچک نگاه می شود که به پژوهش در یک قلمرو علمی خاص می پردازد.
<b>رویکرد اجتماعی:</b> این دیدگاه تاکید اولیه خود را بر تجربه اجتماعی، جامعه پذیری و انتقال فرهنگی رشد آگاهی های مربوط به شهر وند دموکراتیک و یادگیری برخی از مهارت های شناختی و اجتماعی، تغییرات اجتماعی تاکید دارد.	یادگیرنده فردی است که ارزشها و اطلاعاتی را که به او عرضه می شود جذب و هضم می کند. (رویکرد انتقال فرهنگی)، قادر است که استعداد عقلانی خود را در برخورد با مسایل مربوط به سیاست های اجتماعی به کارگیرد (رویکرد تربیت شهروند دموکراتیک)، می تواند فعالانه در جریان تغییر اجتماعی حضور یابد و در واقع عامل یا کارگزار تغییر است (رویکرد تغییر اجتماعی).
<b>رویکرد رشد گرا:</b> این دیدگاه کانون توجه خود را بر محقق ساختن اندیشه تلفیق رشد در ابعاد مختلف (شخصیتی، اخلاقی، عاطفی، شناختی) و جلوگیری از پسرفت و یا توقف در جریان رشد متمرکز کرده است.	یادگیرنده یک عنصر فعال است که از طریق تعامل با محیط فیزیکی و اجتماعی تعامل با تعارضات، معماها، و ارسی ها، به ساختار بخشی و تجدید ساختار تفکر خود مشغول است.
<b>رویکرد فرایند شناختی:</b> این دیدگاه کانون اصلی توجه خود را	دانش آموز فردی کنجکاو است که فعالانه اطلاعات را دستکاری می کند و با استفاده از اطلاعاتی که با آن مواجه می شود در جستجوی

<p>معناست .</p>	<p>رشد و تقویت مهارت های شناختی قرار داده است .</p>
<p>دانش آموز فردی توانا و قابل اعتماد است و اگر شرایط تسهیل کننده فراهم باشد می تواند استعداد خود را به فعلیت در آورد و به مراحل بالاتر حرکت کند. دانش آموز نسبت به روابط انسانی بسیار حساس است. دانش آموز فردی است که ارزش های انسانی را درک می کند.</p>	<p><b>رویکرد انسانگراییانه:</b> این دیدگاه شکوفایی فردی و تربیت انسان با کارکرد تمام و کمال را مورد توجه قرار می دهد.</p>
<p>یادگیرنده فردی است که دارای مجموعه ای از نیازهای مرتبط با یکدیگر است (مادی ، شناختی ، عاطفی ، روحانی ) . این ابعاد تکه های منفصل از یکدیگر نیستند بلکه هرکدام جزئی از کل وجود انسان است . فردی که بدنبال استعلای روحانی است و می خواهد بین جهان درون و بیرون به وحدت برسد. فردی که برای عزت نفس خود ارزش قایل است. علاقمند به کاوش در هنرهای ظریفه ، علوم تجربی و علوم انسانی است. بدنبال برقراری رابطه ای پویا با عالم کائنات است . فردی که بدنبال درک تجلیات قدسی عالم درون و بیرون است. یادگیرنده جزئی از محیط بزرگتر است که در تعامل و تقابل با آن است.</p>	<p><b>رویکرد ماوراء فردی یا کل گرا:</b> این دیدگاه ضمن توجه به خود شکوفایی کانون توجه خود را به مرتبه بالاتری از وجود قرار می دهد که در آن فرد یگانگی و یا ارتباط با خود متعالی را کانون توجه قرار می دهد.</p>
<p>گزاره ۱: دانش آموز امانت الهی است .  گزاره ۲: دانش آموز دارای فطرت الهی است و قابلیت شکوفایی و فعلیت یافتن دارد.  گزاره ۳: دانش آموز همواره در موقعیت است و می تواند آن را درک کرده و با انتخاب احسن خویش در راستای مداوم آن حرکت نماید.  گزاره ۴: دانش آموز توانایی انتخاب و تصمیم گیری و خویشتن داری دارد و می تواند با محیط یادگیری رابطه تعاملی برقرار کند و تابع بی چون و چرا و مقهور محیط نیست .  گزاره ۵: دانش آموز از اراده و انگیزه برخوردار است که در فرایند یاددهی - یادگیری نقش اساسی دارد.  گزاره ۶: دانش آموز در فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت پذیری و توسعه شایستگی های خویش به لحاظ ذاتی نقش فعال دارد.  گزاره ۷: دانش آموز دارای قابلیت ها تجربیات ظرفیت ها و توانایی های گوناگون است. (برنامه درسی ملی)  گزاره ۸: دانش آموز فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است.  گزاره ۹: دانش آموز برحسب فطرت و آفرینش جویای همه مراتب کمال ( تا حد بینهایت ) است.  گزاره ۱۰: دانش آموز دارای استعداد های طبیعی قابل رشد و عواطف و تمایلات متنوعی است.  گزاره ۱۱: دانش آموز موجودی همواره در حال شدن حرکت و دگرگونی است.</p>	<p><b>رویکرد فطرت گرایی توحیدی</b>  این رویکرد بدنبال زمینه سازی در جهت شکوفایی فطرت الهی دانش آموز از طریق درک و موقعیت آنان به منظور دست یابی به مراتبی از حیات طیبه است.</p>

<p>گزاره ۱۲: دانش آموز موجودی آزاد(دارای قدرت انتخاب و اختیار) است .</p> <p>گزاره ۱۳: دانش آموز موجودی اجتماعی است و شخصیت او تا حدی تحت شرایط محیطی ساخته و پرداخته می شود.</p> <p>گزاره ۱۴: دانش آموز با شناخت باور، میل و اراده و عمل فردی و جمعی در تغییر موقعیت تکوین و تحول فردی و جمعی و تعیین آینده و سرنوشت خویش و دیگران تاثیر گذار است.</p> <p>گزاره ۱۵: دانش آموز دارای اشتراکات بسیار در استعدادها و علایق طبیعی فطرت الهی بهره مندی از عقل اراده و اختیار و دارای برخی از خصوصیات متفاوت است .</p> <p>(مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران)</p>	
--	--

### تفاوت رویکرد فطرت گرایی توحیدی با سایر رویکردها

#### این رویکرد به انسان:

۱) رویکرد فطرت گرایی از منظر دینی ، فلسفی، اجتماعی، انسانی ،معنوی ، روانشناختی و تربیتی به دانش آموز نگاه می کند.

۲) نگرش رویکرد فطرت گرایی دانش آموز را یک مخلوق خدا ، عبد ، دارای فطرت الهی ، موجودی پویا و برخوردار از عقل می داند که می تواند مراتبی از خلافت الهی را طی کند.

۳) رویکرد فطرت گرایی نگاه کامل تری به دانش آموز و نیازهای او در مقایسه با سایر رویکردها دارد.

۳) رویکرد فطرت گرایی از منظر دین اسلام به دانش آموز به عنوان یک انسان و محتوای تربیت نگاه می کند.

۴) سایر رویکردها به انسان از یک، دو، و یا چند منظر ( رویکرد ماوراء فردی ) به انسان نگاه می کنند.

برای مثال :

رویکرد رفتار گرایی از منظر چگونگی یادگیری ( انسان به عنوان موجودی منفعل در یادگیری ، انسان به عنوان موجودی که تحت تاثیر محرک ها ی تقویت کننده یاد می گیرد ) و تربیتی (موجودی که می تواند در اکتساب قابلیت های گوناگون توفیق یابد) به انسان نگاه می کند.

رویکرد موضوعی/دیسسیپلینی به انسان از منظر چگونگی یادگیری ( انسان به عنوان فردی که باید خود را با موضوع یادگیری سازگاری دهد، موجودی فعال در یادگیری) و تربیتی (فردی که یک سری از

نیازهای علمی دارو باید به صورت یک متخصص کوچک اما به روش علمی در موضوعات علمی تحقیق کند) به فراگیر نگاه می‌کند.

**رویکرد اجتماعی** به انسان از منظر چگونگی یادگیری، اصلاحگری و رادیکالی، فردی توانا در هضم و جذب ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، فعال در به کارگیری استعداد عقلانی در برخورد با مسایل اجتماعی و دارای قابلیت تغییر در اجتماع و کارگزار در تغییر به فراگیر نگاه می‌کند.

**رویکرد فرایند شناختی** به انسان از منظر فردی که به یادگیری نیاز دارد، کنجکاوی دانستن و دستکاری در اطلاعات است و جستجوی معناست به فراگیر نگاه می‌کند).

**رویکرد انسان‌گرایانه** به انسان از منظر موجودی که برای ارزش‌های انسانی حرمت قایل است فردی که قابلیت رشد دارد و می‌تواند استعداد خود را به فعلیت در آورد و باید به او اعتماد کرد و شرایط یادگیری را برای او فراهم کرد به فراگیر نگاه می‌کند.

**رویکرد ماوراء فردی یا کل‌گرا** به انسان از منظر موجودی که دارای نیازهای گوناگون است (نیازهای مادی، شناختی، عاطفی و روحانی)، از یک کلیت یکپارچه برخوردار است، عاطفی، روحانی (بخشی از کل عالم وجود که بدنبال رابطه و پیوستگی با خود متعالی است، فردی که بدنبال برقراری رابطه‌ای پویا با عالم کائنات و درک تجلیات قدسی عالم درون و بیرون است و جزئی از محیط بزرگتر است که در تعامل و تقابل با آن است به فراگیر نگاه می‌کند).

#### **مشترکات رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی با سایر رویکردها**

- توجه این رویکرد به رابطه با خود متعالی و پیوستگی با عالم وجود و قرب خدا (گزاره‌های ۱، ۷، ۲، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۸، ۱۹) ارتباط این رویکرد را با دیدگاه کل‌گرایانه را نشان می‌دهد.

- توجه این رویکرده به مهارت‌های عقلانی، تفکر انتقادی، تفکر خلاق و منطقی و مهارت‌های ذهنی (گزاره‌های ۶، ۱۴) ارتباط این رویکرد را با دیدگاه فرایندهای شناختی را نشان می‌دهد.

- توجه این رویکرد به ارزش‌های انسانی و روابط انسانی و امکان صعود به مراحل بالاتر (گزاره‌های ۱۲، ۱۳) ارتباط این رویکرد را با دیدگاه انسان‌گرایانه را نشان می‌دهد.

- توجه این رویکرد به هویت ملی و اسلامی، میراث فرهنگی جامعه‌پذیری و تغییرات اجتماعی و تعامل با محیط‌های فیزیکی و اجتماعی (گزاره‌های ۲۰، ۲۲) ارتباط این رویکرد را با دیدگاه جامعه‌پذیری و رشد‌گرا نشان می‌دهد.

- توجه این رویکرد به توانایی انسان در یادگیری و اکتساب قابلیت‌های گوناگون (گزاره‌های ۱۱، ۶، ۲، ۱۵) ارتباط این رویکرد را با دیدگاه رفتارگرا و رشد‌گرا نشان می‌دهد.

- توجه این رویکرد به اراده و انگیزه انسان در یادگیری، نقش فعال انسان در یادگیری و نیازهای متنوع انسان، ارتباط این رویکرد را با دیدگاه رفتارگرا، موضوعی / دیسیپلینی و رشد‌گرا نشان می‌دهد.

رویکرد فطرت گرایی توحیدی به انسان از منظر های مختلف نگاه می کند . مقصد غایی این رویکردشکوفایی گرایشات الهی و انسانی در دانش آموزان مانند خدا پرستی ، عدالت خواهی ، علم جویی ، آزادگی ، مبارزه با ظلم ، صلح جویی ، پاکدامنی ، زیبایی جویی ، خیر خواهی ، بشر دوستی ، تقویت سجایای انسانی مانند صبر و بردباری، عفو و گذشت ، بخشش و.... است . این شکوفایی تحت رهبری معلمی که خود نیز برخوردار از این صفات است و با برنامه ای که چارچوب آن را قرآن و سنت ، نیازهای فرد و جامعه تعیین می کند، و قرار دادن / گرفتن دانش آموز در موقعیت هایی رشد دهنده و تعالی بخش (مشاهده ، تجربه ، تعقل ، تهذیب نفس ، مشارکت در امور انسانی و انجام اعمال خیر و عمل به دستورات خداوند ، پیامبر و ائمه اطهار )، زمینه برای شکوفایی فطرت الهی و رسیدن به قرب الهی (توحید واقعی ) فراهم می شود.